

# معنی لغات درس هشتم فارسی پنجم دبستان

بنیان نهاده بود: تاسیس کرده بود

مرکز فرمانروایی: پایتخت

پهناور: وسیع

تاخت و تازی سهمگین: حمله ای بزرگ و ترسناک

باختر: غرب

شهرت طلب: طالب مشهور شدن

سرزمین مقدونیه: منطقه ای در یونان

لگد کوب سم اسبان: در سرزمین ما تاخت تاز کنند و هر کاری

دلشان خواست انجام دهند.

پایداری: مقاومت

آفتاب، تازه تاریکی شب را کنار زده بود: خورشید تازه طلوع

کرده بود

بانگ: فریاد زد

اینک تنم، جانم: جان من آماده‌ی فدا شدن برای ایران است.

قوت هر چه تمام تر: با حداکثر نیرو

آفتاب، هنوز فروغ زرین: خورشید طلوع نکرده بود

چیرگی: پیروزی و برتری

بی باکانه: بدون ترس

بوم و بر: سرزمین

بنیان نهاد: تاسیس کرد

تاخت و تاز: حمله

پارس: فارس

برافراشته: بالا برده

نومیدی: ناامیدی

گذراگاه: راه گذر، محل عبور

گرایید: رو آورد

گلگون: سرخ رنگ

یورش: حمله

سایه افکندن: توجه کردن، کسی را در پناه خود آوردن

آهنگ ایران کرد: قصد حمله به ایران کرد

چابک: چالاک، تیزپا و سریع

مباد: نباشد

محاصره: دور چیزی را گرفتن

خفت: تحقیر، کوچکی، خواری

سلاح: اسلحه، وسایل جنگ

یال: موی گردن شیر و اسب

بدین: به این

سلسله: پادشاهی  
هخامنشی: یکی از سلسله های ایرانی  
تاسیس کرد: بنا کرد  
به شمار می رفت: به حساب آمد  
خیره کننده: جالب

جلال: عظمت  
انبوه: بسیار  
به نومییدی گرایید: دلسرد شد  
گویی: انگار  
ناگوار: ناپسند

غرق اندوه شد: بسیار غمگین شد  
سپاه عظیم: لشکر بزرگ  
مانع: بازدارنده  
خُرد: کوچک  
برآمدگی: برجستگی

اوضاع: شرایط و وضعیت  
خانمان: خانه و کاشانه  
گلگون: سرخ شده به رنگ خون  
پیکار: جنگ  
ایستادگی: مقاومت

# کلمه های هم خانواده درس هشتم فارسی پنجم ابتدایی

هجوم: مهاجم، تهاجم

شدت: شدید

مانع: موانع

اوضاع: وضع

گذرگاه: رهگذر

شکوه: شکوهمند

عظیم: عظمت، اعظم

حیرت: حیرت آور، حیرت زده

# کلمات متضاد و مخالف درس هشتم

## فارسی کلاس پنجم دبستان

نیرومند ≠ ضعیف

باختر ≠ خاور

انبوه ≠ کم

امید ≠ ناامیدی

اسیر ≠ آزاد

دشمن ≠ دوست

دلیر ≠ ترسو

زودتر ≠ دیرتر

شجاع ≠ ترسو

جنگ ≠ صلح

خفت ≠ عزت

آخرین ≠ اولین

می رساند ≠ نمی رساند